

هنر میناسازی

اکبر تجویدی

طرحها از نو بسنده

سازد و با خلق آثار فنا ناپذیر در حقیقت جزئی از شخصیت خود را ابدی سازد. تمام کوششهای نقاشان قرون وسطی تا عصر برادران (وان دیک) که موفق به کشف ترکیبات رنگهای روغنی شدند همواره متوجه همین ابدیت آثار هنری بوده است. تجسّات دائمی این گروه نقاشان متوجه شناختن رنگهایی بوده است که طول زمان نتواند آنها را تباہ کند. و همچنین بکار بردن صحیح این رنگها بصورتی که مخلوط این رنگها در برابر ترکیبات شیمیایی و تغییرات جوی بتواند مقاومت کند و تغییر نپذیرد و لولآنکه این رنگها روی پرده‌های نقاشی بکار رود که میبایستی بدیوار نصب گردند و هرگز لازم نشود بآنها دست زد.

در گذشته‌ای بس قدیم هنرهای آتشی از جهت ثبات و دوام و همچنین زیبایی جلا دار مواد متشکله خود توجه آن دسته از هنرمندانی را که در رشته‌های هنرهای تزئینی فعالیت میکنند بخود جلب کرده است. در این میان هنر میناسازی بعلمت ظرافت مخصوص و منحصر خود که مرهون مواد اولیه آنست مقام جداگانه‌ای احراز کرده است و در دنیای هنری امروز که هدف ارباب هنر قبل از ساختن پرده‌های نقاشی برای نصب در سالنها و موزه‌ها متوجه تعمیم هنر در زندگی روزمره انسانی و بالتسّیجه متوجه هنرهای تزئینی است فن میناسازی هم مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از هنرمندان میکوشند ابداعات هنری خود را با مواد مخصوص مورد مصرف این فن بمرحله اجرا در آورند.

در اینکه در ابتدا کدامیک از ملل دنیا مخترع هنر میناسازی بوده‌اند هنوز میان محققین وحدت نظری حاصل نشده است. مدارک موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف هم هنوز نتوانسته‌اند بطور صریح پاسخ این پرسش را بدهند. ولی از جهت وجوه مشترکی که مواد مورد نیاز در هنرهای آتشی باهم دارند بعید بنظر میرسد که در میان ملتی فلان لعاب رنگی بر روی سفال و کاشی بکار رفته باشد و بر روی فلز بکار رفته باشد. ترکیبات لعابهایی جهت کاشی که در درجات حرارت‌هایی متجاوز از هزار درجه در کوره پخته و ثابت میشده‌اند

میناسازی عبارتست از نقاشی و تزئین فلزات مختلف از قبیل طلا و نقره و مس با رنگهای لعابدار مخصوص که در درجات بسیار زیاد حرارت پخته میشوند و ثابت میگردند. در این مقاله ابتدا تاریخچه مختصر این فن و سپس روشهای مختلف تهیه انواع مینا مورد مطالعه قرار میگیرد.

مسئله مواد اولیه‌ای که در ساختن کارهای مختلف هنری مورد مصرف هنرمندان قرار میگیرد و تنوعی که بکار بردن مواد گوناگون بآثار هنرمندان میبخشد از مسائل بسیار دقیق هنری میباشد. میدانیم که اثر پرده‌ای که با رنگهای روغنی ساخته شود با اثر همان پرده در صورتیکه با پاستل و یا آب و رنگ پرداخته گردد بسیار متفاوت خواهد بود. و نیز در صورتیکه موضوع همان پرده با رنگهای آتشی یعنی کاشی و مینا و چینی و غیره تصویر گردد این تفاوت و تنوع بسی بیشتر خواهد بود. از دیر باز علاقمندی انسان به ثبت و جاویدان ساختن زیباییهایی که احساس و یا مشاهده کرده است او را بر آن داشته که در آثار هنری خود موادی را بکار برد که طول زمان و حوادث گوناگون نتوانند بآسانی آنها را دستخوش تغییرات و تباہی سازند. البته در پاره‌ای مواد صرفاً احتیاج محرک این فکر بوده است مثلاً ظروف سفالین که بایستی در آنها آب ریخته شود اگر در حرارت پخته نگردند نمیتوانند آبر را در خود جای بدهند و همچنین است حال نقوشی که روی آن ظروف ترسیم میکردند که اگر بطریقی ثابت نگردند دوام و ثباتی نخواهند داشت و در عین حال تجسّات خستگی ناپذیر انسان در طی قرون ثابت کرده است که علاقه انسانی بجاوید ساختن آثار خود تنها از نظر سودهای مادی نبوده است بلکه در مواردی هم که موضوع استفاده عملی در کار نیست باز انسان همواره کوشیده است اشتیاق درونی خود را نسبت بآنچه دیده و احساس کرده است جاوید

از دیرباز در ایران شناخته شده بوده است. و نیز صنایع فلزی در مملکت ماسابقه بسیار قدیمی دارد. از طرفی میناسازی نیز عبارتست از بکار بردن رنگهای لعابدار بر روی فلز و پختن آن در حرارتهای زیاد ولی تاکنون قطعه مینائی که از نظر قدمت همزمان با سفالهای لعابدار ساخته شده در ایران باشد بدست نیامده است. با اینهمه عقیده (مولینیه) نویسنده کتاب «تاریخ و فن میناسازی» آنست که میناهای ساخت بیزانس که در ردیف بهترین میناهای دنیا بشمار میرود از هنر میناسازی ایران الهام گرفته است و بنا بر عقیده وی شاید قدیمیترین مدرک میناسازی موجود دنیا اثر هنرمندان ایران عصر ساسانیان باشد. در کتاب مزبور در فصلی که مربوط به میناسازی در امپراطوری روم شرقی میباشد ضمن بحث درباره آغاز این فن مینوسد: «بدون آنکه بخواهیم این فن را منحصر آ هنر ایرانیان بشمار آوریم باید در عین حال خاطر نشان سازیم که ایران تنها کشوری است که مستقیماً باعث رواج این فن در امپراطوری روم شرقی یعنی در اروپای جنوبی گردیده است، در عین حالیکه سایر اقوام اروپائی از طریق شمال با این فن آشنا شده اند، البته روشن شدن این مسائل بستگی بکاوشهایی دارد که در قرن حاضر در قفقاز و در دره دانوب بعمل میآید. در روی یک مدال طلای مزین بسیناکه متعلق بسوزه (ویسبادن) میباشد و در «ولفشایم» نزدیک «ماینس» پیدا شده است نام اردشیر بخط پهلوی حکاکی شده است. بدون شك باید گفت که این مدال در زمان «اسکندر جدی Alexandre-Sévère» (امپراطور روم ۲۰۸ - ۲۳۵ میلادی) که بایران تاخته است و در موقع مراجعت از این سفر جنگی در کنار رود «رن» زندگی را بدرود گفته است با اروپا آورده شده. این مدال با آنکه کوچک و ظریف است ولی محقق میدارد که فن میناسازی را در زمانهای قدیم رومیها از ایرانیان آموخته اند. از طرف دیگر دیده میشود که هنرمندان رومی در عصر ساسانیان بایران رفته اند تا تصویر شاهنشاه شاپور را جهت ساختن روی جامها از آثار ایرانیان کپی نمایند. و باز نکته دیگر که مؤید این مطلب است آنکه «گرگوار کبیر» در یکی از رساله های خود بنام (تکاپرسیکا) از یک جلد کتاب انجیل نام میرد که روی جلد آن توسط هنرمندان

ایرانی زرگری و میناسازی شده بوده و بلکه لمبارد (تئودولید) هدیه شده بوده است. از روی تمام این مدارک و اشیاء موجود دیگر که میتوان باین صورت اضافه کرد و همچنین از این واقعیت انکار ناپذیر یعنی روابط روزمره و دائمی بیزانس با ایران میتوان پی برد که هنر میناسازی از کشور ایران بروم شرقی آمده است و اولین مدلهائی که سرمشق صنعتگران روم شرقی قرار گرفته اثر هنرمندان ایرانی بوده است.....»

این بود قسمتی از تحقیقات (مولینیه) درباره آغاز هنر میناسازی. اما از مدارک برجسته ای که شایان ذکر است و فعلاً در اختیار موزه ایران باستان میباشد جام نقره ای متعلق بزمان شاهنشاهان ساسانی است که آقای مصطفوی در گزارشهای باستانشناسی از آن نام برده اند و ضمن مقاله ای بقلم جناب ایشان در مجله نقش و نگار شماره سوم بهار ۱۳۳۶ کلیشه ای از آن بچاپ رسیده است. بر روی جام مذکور در خلال قلمزنی هائی که رقاصه های ساسانی را مجسم میدارد حاشیه هائی متشکل از تصاویری بشکل دل بامینای مشکی رنگ نقاشی شده است. مدارک فوق مبین این نکته است که هنرمینا سازی از زمانهای خیلی قدیم در ایران سابقه داشته و گذشته از آنکه بسیاری ملل دنیا این هنر را از ایرانیان آموخته اند فن مذکور در ایران نیز نسلی بعد از نسل دیگر از اعقاب باخفاد منتقل شده است و بزمان ما رسیده که بحث در تغییرات و تحولات مختلف آن از نظر تاریخ هنر شایان بسی توجه است و در خور تحقیقات مفصل و جداگانه. اینک بتوضیح روشهای مختلفی که امروزه در زمینه میناسازی مرسوم است می پردازیم.

✱

میناسازی بر حسب طرق مختلف بکار بردن رنگ بر روی فلز و آماده ساختن زمینه فلزی ب سه نوع اصلی تقسیم میگردد:

- ۱ - میناهای خانه بندی شده.
- ۲ - مینا بازینه حکاکی شده.
- ۳ - نقاشی روی مینا بارنگ مینائی.

✱

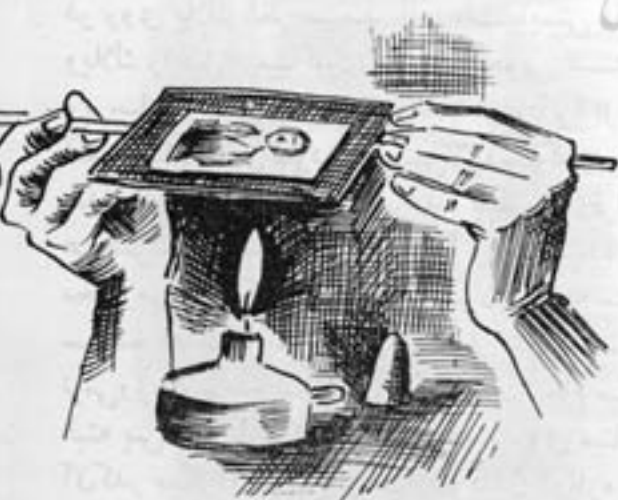
۱ - در مینای خانه بندی شده - روی صفحه فلزی را که قبلاً بوسیله اسید از قشر اکسیدهای موجود



مینهای زمینه مشکی طرح ساسان



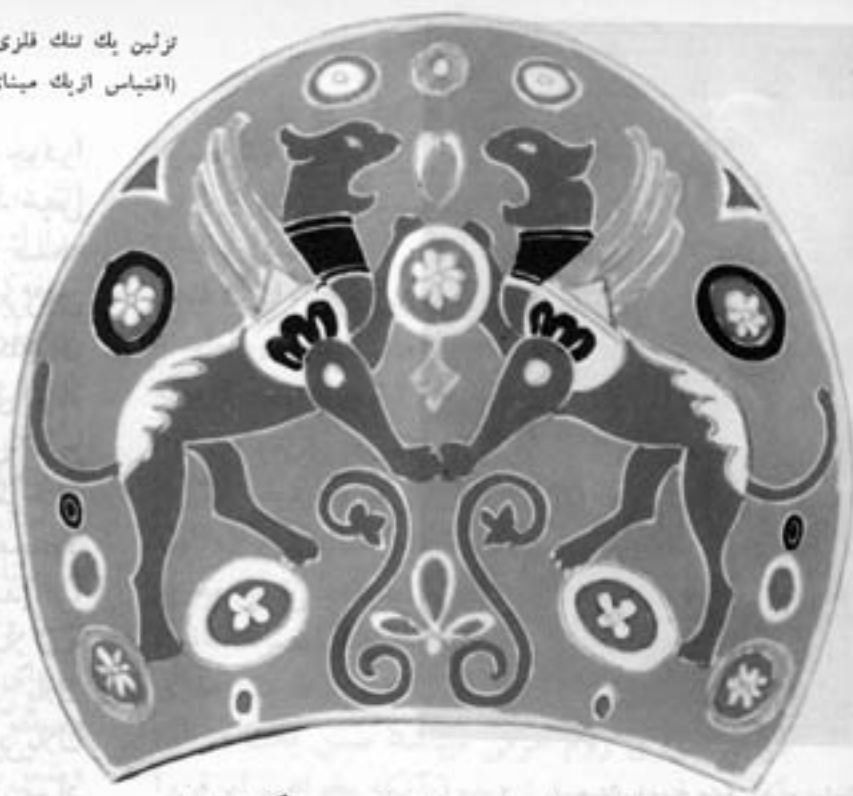
طرح قرار دادن سیمهای فلزی در صفحه درمینهای خانه بندی ش



مینارا قبل از گذاشتن در کوره روی چراغ الکلی میخسکان

روی آن آزاد شده است و رنگ واقعی و اصلی خود را بازیافته است. بالعباب بیرنگی از مینا می پوشانند سپس نقش مورد نظر را با رنگ مشکی مینائی روی صفحه نقش مینمایند. از طرف دیگر همان نقش را بر روی پلاکی از شیشه منتقل میکنند و خطوط متشکله آن طرح را با سیمهای فلزی نازک بصورت مفتولهای کوتاه و بلند میبرند و بر روی پلاک شیشه ای حاوی طرح منطبق مینمایند یعنی در حقیقت خطوط اصلی طرح را بوسیله مفتولهای فلزی خانه بندی میکنند و محدود میسازند. همینکه طرح بوسیله سیمها آماده شد آنرا با چسب مخصوص موقتاً روی پلاک مینائی که قبلاً تهیه شده است منتقل مینمایند. چنانکه گفته شد این پلاک بوسیله رنگ سیاه منقوش شده است. آنگاه این پلاک را در کوره حرارت میدهند تا در اثر ذوب شدن مواد مینائی سیمها در آن فرو رفته و ثابت شوند باین ترتیب پلاکی طراحی شده بوجود میآید که نقش آن بجای خطوط مشکی با سیمهای فلزی که صفحه را بخانههای کوچک و بزرگ تقسیم نموده است مزین است. حال باید این خانهها را بر حسب دلخواه و با رنگهای مینائی پر کرد و آنرا در کوره حرارت داد و پخت. معمولاً چون ضخامت قشر مینا پس از پخته شدن کاهش مییابد باید عمل پر کردن خانهها را چندبار تکرار کرد و پس از هر بار میناکاری باید مجدداً پلاک را در معرض حرارت قرارداد. ضمناً چون در اثر حرارت دادن صفحه مینا خطوط فلزی که در حقیقت نقش طراحی را بعهده دارند در اثر اکسید شدن سیاه میگردند بایستی از نو اقدام برداختن آنها از اکسیدها نمود.

۲ - مینا بازمینه حکاکی شده - در اینگونه مینا اغلب فلزهای قیمتی از قبیل طلا و نقره و بندرت مس را بکار میبرند. در ابتدا نقش مورد نظر را بر روی فلز بوسیله قلمزنی حکاکی مینمایند و سپس مبادرت به مینائی ساختن قستهای حکاکی شده میکنند. در اینگونه موارد معمولاً میناها را از نوع شفاف انتخاب مینمایند که پس از قرار گرفتن بر روی فلز بکلی زمینه آنرا نپوشاند و همچنین بعلا شفافیت هر قسمت را به نسبت عمق آن پر رنگ تر جلوه گرسازد باین ترتیب رنگ مینا در اینجا عمل سایه روشن را در نقاشی بعهده دارد.



۳ - نقاشی بامینا - در این نوع مینا که از انواع دیگر مینا سازی بنقاشی نزدیکتر است و ضمناً متداولتر هم میباشد طرز کار باکم و بیش اختلاف بنقاشی رنگ و روغنی شباهت دارد. در ابتدا بطریقی که درباره سایر انواع مینا مرسوم است پلاک فلزی را آماده میسازند و این بار بجای مینای شفاف سطح فلز را از يك طبقه مینای غیر شفاف سفید بطریقی که فلز از زیر آن نمایان نباشد می پوشانند. آماده کردن پلاک سفید مانند بوم در نقاشی در خورا همیت فراوان است چه اگر کوچکترین ذره ای اکسید روی فلز باقی مانده باشد در اثر حرارت های متعددی که صفحه در معرض آن است و همچنین بعلمت وجود رنگ سفید، در حین کار بطرز نامطبوعی خود را نمایان میسازد و بصورت لکه های آبی رنگ و ناموزونی در روی پلاک بنظر میرسد باین علت بایستی دقت کرد و پلاک را قبل از مینا کاری با اسید بخوبی شستشو داد و بوسیله برسهای مخصوص و ماسه دریا آنرا از وجود اکسید بکلی عاری نمود. همچنین لازمست که زمینه پلاک صدف رسد سفید و یکنواخت باشد. باید پس از قراردادن هر قشر مینای سفید روی پلاک آنرا با سباده های مخصوص صاف کرد (این عمل معمولاً بوسیله سنگهای سباده که بشکل مکعبهای مستطیل بدرجات مختلف نرمی و زبری بریده شده است و بکسک آب انجام میگردد) البته پس از هر بار بکار بردن سباده بر روی مینا سطح آن کدر میگردد که پس از حرارت دادن دوباره جلای خود را بدست خواهد آورد. آنگاه نقش مورد نظر را

بوسیله کاغذ کاربن روی این صفحه سفید منعکس مینمایند رنگهای مورد مصرف درین نوع مینا سازی عبارتند از اکسیدهای سائیده شده که بصورت پودر بسیار نرم درآمده اند. این رنگها را باید روی صفحه ای از عقیق که در حقیقت تخته شستی مینا سازی است قرار داد و با کاردکی که از شاخ حیوانات تراشیده شده است باروغن گل سوسن و یا اسطوخودوس که هر دو بهولت قابل تبخیر هستند مخلوط کرد و نقاشی را بسبک رنگ روغنی آغاز نمود. البته اتمام این نقاشی با چندین بار پختن انجام خواهد یافت. باین معنی که در بار اول قسمتهای بزرگ و کلی کار را رنگ آمیزی میکنند و حرارت میدهند و بهمین ترتیب هر بار بساختن نکات ظریف تر و تکمیل جزئیات میپردازند. باید در نظر داشت که هر بار قبل از پختن مینا در کوره باید صفحه مینا را روی چراغ الکلی بطریق خاص حرارت داد تا روغنهای محتوی رنگها بسوزند و زائل گردند و گر نه مینا در کوره جوش پیدا خواهد کرد و نتایج ناگواری بیار خواهد آورد. عمل حرارت دادن با چراغ الکلی مستلزم مهارت و دقت فراوان است.

در آخرین مرحله و قبل از دادن حرارت آخری بایستی اقدام بساختن جزئیات و لکه گیرهای قطعه مینا نمود و سپس آنرا در کوره گذاشت.

معمولاً پس از تمام شدن يك صفحه مینائی روی آنرا از يك لعاب بیرنگ شیشه ای می پوشانند که هم بمینا جلای بیشتری میدهد و هم بر استقامت آن میفزاید.

از انواع نقاشی روی مینا مینای سبک «لیسوژ» است در مینای لیسوژ ابتدا زمینه پلاک یا بوم اصلی بجای سفید بامینای مشکی پوشانده میشود و سپس روی آن نقاشی میکنند از خصوصیات مینای لیسوژ برجستگی تصاویر آن میباشد که بآن اندکی جنبه (بارلیف) میدهد. در هر يك از سه رشته مذکور در فوق با اندکی اختلاف و ابتکار میناهای نوع دیگری نیز تهیه میگردد که از نظر کلی بیکی از طرق سه گانه مذکور در این مقاله مربوط میشود که تشریح و توصیف روشهای همه آنها باعث اطناب کلام خواهد بود.